

بازگاووی نظریه بازتاب فرهنگ زمانه در قرآن

علی رضا عظیمی فر

تجدید

در سالهای اخیر از جمله سلسله مباحثی که در مجامع علمی در حوزه علوم قرآنی از ناحیه برخی قرآن پژوهان بدان پرداخته شده، موضوع نظریه «بازتاب فرهنگ زمانه در قرآن» است.

این نظریه به دلیل اهمیت توانست نگاه معتقدان و منتقدانی از اندیشمندان را به سوی خود جلب نماید. نگارنده این حرکت علمی را به فال نیک گرفته و بر این باور است که بیان فرضیه‌ها و نظریه‌ها در حوزه علوم قرآنی می‌تواند زمینه‌ساز جنبشی فکری در جهت رشد و بالندگی معارف قرآن گردد، به خصوص رهبر فرزانه انقلاب، آیه‌الله خامنه‌ای در پاسخ به نامه گروهی از دانشوران حوزه علمیه قم در رابطه با موضوع پژوهش و تولید علم در عرصه‌های مختلف علوم به ویژه اسلامی تأکید داشتند. بدین سبب راقم با احترام و تعظیم در برابر صاحبان اندیشه به ویژه قرآن پژوهان تلاش دارد تا به بازگاووی نظریه یاد شده بپردازد. امید است آنچه پیش روی خوانندگان و پژوهندگان قرار گرفته مورد توجه اهل اندیشه و قلم همراه با راهنمایی و ارشاد واقع شود.

کلید واژه‌ها: فرهنگ، قرآن، حکمت، زبان.

بسیار متشکر از محترمین و همکارانم در زمینه پژوهش و نگارش

ضروری است پیش از تحلیل نظریه مورد بحث برای ارائه تصویری روشن از آنچه در این باره گفته شده همراه با دلایل آن به اختصار در معرض نگاه پژوهندگان قرار گیرد. برخی از قرآن پژوهان معاصر که به ارائه نظریه یاد شده پرداخته‌اند در تعریف آن می‌نویسند:

«فرهنگ یعنی آداب، عادات، عقائد، معارف، رسوم، مناسبات و جهان‌بینی مردم عصر نزول قرآن - و تبعاً مقادیری از فرهنگ یا شبه فرهنگ جاهلیت - که عالمأ و عامداً به صلاح دید صاحب قرآن - خداوند سبحان - در

کلام‌الله در قرآن راه داده شده است نه اینکه قهراً و تبعاً راه یافته است.»^۲

در تبیین این دیدگاه می‌توان چنین گفت: نظریه پرداز بر این عقیده است که خداوند از روی آگاهی و اراده، از باب همراهی با فرهنگ حاکم و جو و شرایط غالب دوران نزول وحی بخشهایی از آداب، رسوم، عادات، اعتقادات و باورهای مردم که در زمان جاهلیت شکل یافته در قرآن راه داده است. ورود این بخش از فرهنگ مردم در آیات ناخداگاه و بدون توجه به پیامد آن از ناحیه خداوند راه نیافته بلکه از روی علم و عمد بوده است.

نویسنده محترم در تبیین این نظریه در بخشی از سخن خود می‌نویسد: مراد راقم سطور این نیست که کلیه محتویات و مطالب و معارف قرآنی بازتاب فرهنگ زمانه است، بلکه بدنه اصلی قرآن کریم بیان حقایق لاهوتی ابدی است و بخش کمتر از آن بازتابند... باز تأکید می‌کنیم که این بازتاب و تأثیر از سوی زمین بر آسمان نیست بلکه انتخاب آگاهانه خداوند سمیع و بصیر و علیم و مدبر است.^۳

بازتاب فرهنگ زمانه

به نظر می‌رسد عمده‌ترین دلایل اثبات نظریه «بازتاب» را می‌توان در موارد ذیل یاد کرد:

صاحب این رأی می‌گوید: اولین پدیده که حاکی از راه دادن بخشی از زندگی و فرهنگ مردم معاصر با نزول قرآن در قرآن کریم است و مقبول همگان از مسلمان و غیرمسلمان است: مسئله اسباب نزول یا شأن نزول است. یعنی مسائل عادی و رویدادها یا حتی سؤالیهای پیش می‌آمد که غالباً حضرت پیامبر و اصحاب و معاصران او در معرض آنها بوده‌اند و به دنبال آن و به تناسب آیه نازل شده است.^۴

بنابر آنچه ایشان یاد می‌کند می‌توان نتیجه گرفت آیاتی از قرآن که در واقع پاسخ به پرسشی یا به دنبال حادثه‌ای فرو فرستاده شده و در قالب آیات آمده حکایت از آن دارد که خداوند بخشی از فرهنگ رایج میان مردم آن دوران را پذیرفته از این رو متناسب با آن پرسش و رویداد پاسخ گفته‌اند.

ایشان بر این باور است که پدیده‌های فرهنگی یا شبه

فرهنگی جاهلیت که در قرآن یاد شده به دو منظور آمده، نخست به قصد تخطئه آنها، نظیر آنچه درباره زنده به گور کردن دختران ۵، رباخواری ۶، به فحشا کشاندن کنیزان ۷، و... دیگر به قصد اصلاح آنها چون موضوعاتی در رابطه با مراسم و مناسک حج ۸ یا مسئله ایلاء ۹،ظهار ۱۰، لعان ۱۱، که در واقع از ناحیه شارع مقدس اسلام به منظور اصلاح و تغییر و تحول آمده است هر یک از این نمونه‌ها بیانگر وجود پدیده‌های فرهنگی یا شبه فرهنگی عصر نزول قرآن است که در آیات یاد شده است. ۱۲ بر اساس این رأی اگر این دسته موضوعات که ریشه در زمان جاهلیت داشته در عصر نزول نبود هرگز صاحب وحی به این پدیده‌ها در آیات نه اشاره می‌کرد و نه درصدد اصلاح و تخطئه آنها بر می‌آمد، پس نتیجه می‌توان گرفت آیاتی از قرآن که به بیان این مسائل پرداخته در حقیقت انعکاس و بازتاب فرهنگ دوران جاهلیت عرب بوده است.

ایشان عقیده دارند که قرآن هر چند پدیده‌ای زبانی- ادبی کاملاً نوظهور و بی‌سابقه‌ای دارد لیکن آداب و عادات زبانی عصر نزول در این کتاب مقدس دیده می‌شود به طور نمونه آوردن سجع، استفاده بردن از ابزار و ادوات تأکید چون سوگندها و نفرینها ۱۳ بهره‌گیری از واژه‌های قرضی و دخیل ۱۴ و دیگر ابزار صناعی هر کدام به گونه‌ای نشان از تأثیرپذیری قرآن از فرهنگ زبانی رواج یافته میان مردم عصر جاهلی دارد.

نتیجه این سخن چنین است که قرآن از امکاناتی مانند کنایه، استعاره، مجاز، تشبیه، تمثیل و نظایر آن که در زبان عرفی و محاوره‌ای جامعه وجود دارد، استفاده کرده است. پس خداوند با آگاهی از این گونه گفت‌وگوی میان مردم در رساندن سخنانش تأثیر پذیرفته است، و لذا می‌توان گفت آیات قرآن بازتابی از امور فرهنگی و ادبی آن دوران بوده است.

تفسیر: نظم و آواز

نویسنده از مجموع دلایل یاد شده نتیجه می‌گیرد و می‌نویسد: «خداوند -صاحب قرآن- به همان گونه که قطعه یا قطعاتی از زبان مردم عربستان سده هفتم میلادی یعنی زبانی با زمان و مکان و تاریخ و جغرافیای معین و معلوم برای بیان وحی خود استفاده برده است، به همان گونه قطعه یا قطعاتی هم از کل فرهنگ آن عصر

برگرفته

است تا بر مبنای آن بتوان نامتناهی را در متناهی آشکار کرد و دریا را در برکه انعکاس داد، لذا اگر در قرآن کریم هیئت بظلمیوسی یا طب جالینوسی منعکس باشد، نباید انکار کرد و اگر پیشرفت علم هیئت بظلمیوسی و طب جالینوسی را ابطال کند نباید نتیجه گرفت که احکامی از قرآن را ابطال کرده است، زیرا قرآن فرهنگ زمانه را باز یافته است نه لزوماً و در همه موارد حقایق ازلی و ابدی را.» ۱۵

تفسیر: نظم و آواز

آنچه تا کنون آمد، چکیده‌ای از نظریه «بازتاب فرهنگ زمانه در قرآن» همراه با دلایل آن بود، اینک ضرورت دارد تا به تحلیل و نقد آن پرداخته و پژوهندگان به داوری در این باره بنشینند. در آغاز سخن سزاوار است تا اشاره‌ای گذرا به ریشه‌یابی این تفکر داشته باشیم. به نظر می‌رسد عامل اساسی در ارائه و پذیرش نظریه بازتاب از ناحیه برخی از دانشوران به وجود آمدن سؤال یا شبهه‌ای بوده که در ذهنشان پدید آمده و آن اینکه جلوه‌هایی از عناصر فرهنگی و قومی مردم عربستان سده هفتم میلادی در آیات نمایان و نشان داده شده و در نتیجه این که قرآن در بیان احکام و دستورات شرعی و معارف و حقایق الهی متأثر از فرهنگ آن عصر گردیده است. از این رو صاحب این رأی درصدد پاسخ‌گویی به سؤال یا شبهه برآمده و با بیان اندیشه بازتاب فرهنگ زمانه تلاش نموده این سؤال یا شبهه را از ساحت قدسی قرآن کریم برطرف سازد.

اما به نظر می‌رسد حل این سؤال یا شبهه با این نظریه نه تنها برطرف نشده، بلکه خود نوعی تولید شبهه کرده است. نگارنده بر این باور است که این نظریه با چند اشکال و انتقاد جدی مواجه است:

آنچه همگان بر آن اتفاق رأی و هم‌داستانند، وحیانی بودن قرآن و دوری آن از هرگونه تناقض در بیان مطالب و موضوعات است، از این رو در آیات متعددی به این دو مطلب به صراحت و روشنی اشاره گردیده، از جمله در یکی از آیات، خطاب به پیامبر گرامی اسلام (ص) چنین می‌فرماید:

و ما ينطق عن الهوى، ان هو الا وحى يوحى. ۱۶ و هرگز او (=پیامبر) از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید. آنچه آورده

چیزی جز

وحی نیست که به او وحی

شده است.

در دیگر آیه به دور بودن ساحت قرآن از

هرگونه تناقض در متن و محتوای سخن، به میان

آمده آنجا که فرموده:

افلا يتدبرون القرآن ولو كان من عند غير الله لوجدوا فيه

اختلافاً كثيراً ۱۷ آیا درباره قرآن نمی اندیشند که اگر از ناحیه

غیر خدا بود در آن اختلافات فراوانی می افتد و در دیگر جا

می فرماید: **لاياتيه الباطل من بين يديه و لا من خلفه تنزِيل من**

حكيم حميد ۱۸ و هیچ گونه باطلی -نه از پیش رو و نه از

پشت سر- به آن راه پیدا نمی کند چرا که از سوی خداوند

حكيم و شايسته ستایش نازل شده است.

مفسران در آثار تفسیری خود، ذیل آیات یاد شده به

تفصیل در رابطه با دلالت آن آیات سخن گفته و قائل به راه

نیافتن تناقض در کلام وحی شده اند ۱۹ علامه

طباطبایی (ره) با لطافت و ظرافت در این باره می نویسد:

«خداوند متعال مردم را به تدبر در آیات قرآنی تشویق کرده

و مقصود آن بوده که مردم از هر دستوری یا حکمتی یا

داستانی یا پندی و همانند آن به همگی آیات مراجعه کنند

زیرا برخی از آیات بر بعضی دیگر بی هیچ اختلاف و

تناقضی گواهی می دهد و نفی هرگونه اختلاف و تناقض در

آیات ما را به این حقیقت رهنمون می سازد که این کتاب از

ناحیه خداوند متعال فرو فرستاده شده است.» ۲۰

اینک می گوئیم: قرآنی که سراسر آن مبارزه با عقاید و

باورهای دروغین و باطل و خرافی عصر جاهلی بوده

چگونه امکان دارد بخشی از آیات آن که به موضوعاتی چون

سحر، کهنات، و... پرداخته به هدف همراهی با این

اعتقادات و فرهنگ رایج در جامعه بوده باشد، آیا پذیرش

نظریه بازتاب به معنای قبول تناقض در آیات نیست؟ و این

سخن با قداست و حیاتی بودن قرآن سازگار است؟

آری، این نکته را می توان به روشنی از آیات استفاده نمود

که قرآن نه تنها با فرهنگ جاهلی عصر نزول همراهی و

سازش و مدارا نکرده، بلکه آداب و عادات زشت و ناپسند

را نفی کرده و مورد نکوهش قرار داده است نظیر:

سرزنش آنان به خاطر زنده به گور کردن دختران، ۲۱ نفی

اعتقادات شرک آلود ۲۲ نکوهش جهت بعضی از رسوم در

مراسم حج مانند برهنگی هنگام طواف کردن ۲۳ یادآوری

آیین پدران و اجداد ۲۴ و همچنین نکوهیدن آنان از

ناخوشایندی تولد دختران ۲۵ و... اینها مواردی اندک از

ناسازگاری آموزه های قرآن با فرهنگ جاری دوران است.

پس قرآن با بازگویی و گزارش این مسائل درصدد بیان

واقعتهای حاکم بر اوضاع فرهنگی اجتماعی عصر نزول

بوده است. حال این گونه واقعتهای در مواردی تایید گردیده

چون واقعیت مسئله جن، ۲۶ چشم زخم، ۲۷ بعضی از

اعمال حج ۲۸ پرداخت دیه به ولی مقتول ۲۹ و جز آن که به

شکلی مورد تایید و امضای شرعی رسیده و گاه چون

واقعتهایی بوده که از نظرگاه قرآن مردود قلمداد گردیده

تکذیب و رد شده است.

باری، حکایت این وقایع عصری در آیات دلیل بر

پذیرش تمام باورها و عقاید بی پایه به شمار نمی رود.

نویسنده محترم با بیان یکسری موضوعات دارای حکم

شرعی مانند ایلا،ظهار، لعان و برخی آداب و مناسک حج

چنین پنداشته است که بیان این موضوعات در قرآن دلیل

همسویی با اعتقادات مردم آن روزگار بوده است، در نتیجه

اگر این گونه مسائل در آن زمان میان جامعه جریان نداشت،

خداوند هرگز احکامی درباره آنها صادر نمی فرمود. پس

آوردن این موضوعات در قرآن نشان از همگامی و همراهی

با فرهنگ قومی دارد. این سخن از دو جهت مورد اشکال

است نخست لازمه قبول آن موقت و عصری دانستن احکام

دینی در این موضوعات است و این در حالی است که

دستورات و احکام شرعی الهی -جز مواردی که با دلیل

اثبات گردد- با تحقق و وجود موضوعاتشان همیشگی و

ثابت اند همانگونه که فقیهان در آثار فقهی احکام شرعی

موارد یاد شده را بر اساس آیات برای همه اعصار دانسته و

از گذشته تاکنون بدانها فتوا داده اند. ۳۰

و از دیگر سو فلسفه آوردن این مسائل در قرآن نشان

دادن وضعیت نابسامان و عقب مانده زمانی است که قرآن

در آن محیط نازل شده و خداوند با آوردن احکام و

دستورات نوین این اعتقادات باطل خرافی را در هم کوبیده

و فرهنگ متعالی و ارزشمند دینی را جایگزین ساخته

است، بنابراین، هدف تغییر و دگرگونی شرایط فرهنگی

حاکم بوده است.

تردیدی نیست دانش بشری محصول تحقیقات

تجربی و محدود به خرد انسانی است بی تردید کشف

بخشی از مجهولات و ناشناخته‌های زمینی و اندکی فراتر از آن، نتیجه این پژوهش‌های آزمایشگاهی و تجربی بوده است. ۳۱ لیکن آنچه در آیات و کلام وحی، پیرامون آسمان و زمین، فرشته، روح، وحی، جن، جهان غیب، جهان آخرت و اوصاف آن و... آمده حقایق فرازمینی است که و به هدف هدایت و تربیت انسان و نشان دادن مسیر معرفتی او به خداوند سبحان بیان شده‌اند علم و دانش به این دسته امور در عصر نزول قرآن میان مردم وجود نداشته است نویسنده محترم بر این رای‌اند: واقعیت و حقیقتی مانند چشم زخم و جن لزوماً نبایست حقایق ابدی و ازلی از ناحیه خداوند متعال تلقی گردد، زیرا امکان ابطال این امور به وسیله دانش بشری در آینده، نظیر آنچه در رابطه با حرکت انتقالی زمین اتفاق افتاد و دانش امروزه ابطال هیئت بطلمیوسی را در رابطه با حرکت زمین ثابت کرد، وجود دارد، ۳۲ به نظر می‌رسد ایشان به دلیل قبول نظریه بازتاب، بخشی از آیات را که قانون علمی - تجربی در اثبات آنها وجود ندارد، نمی‌پذیرد نگارنده عقیده دارد این ایده درست نیست زیرا دست نیافتن دانش گذشته و امروزه بشر برای اثبات این گونه موارد نمی‌تواند دلیلی برای نفی یا انکار حقیقتی ابدی و ازلی برگرفته از آیات همانند مسئله چشم زخم یا جن باشد و اگر در گذشته در تعریف وضعیت زمین بر اساس هیئت بطلمیوسی سخنی به میان آمده و اکنون دانش روز آن را نفی می‌کند این نظریه بر اساس استفاده‌ای بوده که برخی از دانشمندان اسلامی از ظاهر آیات به دست آورده‌اند. ۳۳ بنابراین لازمه اعتقاد و ایمان به حقایق برگرفته از قرآن اثبات آنها از ناحیه دانش بشری نمی‌تواند باشد.

به بیان دیگر، اگر ظاهر آیه‌ای با کاوش‌های علمی - تجربی قطعی همخوانی و سازگار باشد از این پژوهش علمی در تفسیر ظاهر آیه می‌توان استفاده کرد، لیکن اگر قطعی نبود همانند نظریه‌ها و تئوریه‌ها، مجاز به استفاده از آن برای تفسیر قرآن نمی‌توان بود، زیرا نظریه‌های علمی دستخوش تغییر و تحول‌اند از این رو تطبیق ظاهر آیات با این دسته فرضیه‌های علمی صحیح نیست ۳۳ پس به صرف نبود دلیل علمی - تجربی درباره موضوعات قرآنی نباید گمان کرد اینها حقایق ابدی و ازلی به شمار نمی‌روند.

خداوند متعال پیامبران را مأموریت داده تا با آموزه‌های

وحی، مردم را از کجی‌ها و کژی‌ها رهانیده و به تعالی و کمال دنیوی و رستگاری اخروی رسانند. این مسئولیت سنگین نهاده شده بر دوش رسولان همواره با مبارزه و مجاهدت آنان با آداب، رسوم، عادات، باورها و اعتقادات نادرست رواج یافته میان جامعه همراه بوده است علاوه بر آن آگاهی بخشی مردم به حقایق و معارف کتاب آسمانی از جمله حکمت بعثت فرستادگان خدا به شمار می‌آید از این رو آن بزرگواران با قبول سختی بسیار کوشیدند فرهنگ انحطاطی جامعه را با تغییر بنیادین در جهت تکاملی سوق دهند داستان مبارزه رسولان الهی با مشرکان، ستمگران و مترفان و به تعبیر دیگر با صاحبان زر و زور و تزویر در قرآن کریم فراوان یاد شده است.

نظریه بازتاب

آنچه گذشت تحلیلی از نظریه بازتاب همراه با برخی اشکالها و انتقادات جدی متوجه به آن بود به نظر می‌رسد صاحب این رای نتوانسته با پاسخی منطقی و بی‌ایراد سؤال یا شبهه ورود جلوه‌هایی از فرهنگ زمان نزول قرآن را در آیات برای پژوهندگان حل نماید بدین سبب از نظرگاه راقم می‌توان شبهه یا سؤال را با بیانی دیگر پاسخ داد و آن «همراهی قرآن با زبان مردم».

تاریخ زندگی انسان نخستین تا به امروز گزارش می‌دهد انسان خواسته است تا نیازمندیهای خود را به دیگران به گونه‌ای انتقال دهد، رساندن پیام و سخن کاری بوده که انسان به شکل‌های مختلف آن را تحقق بخشیده است. سرنوشت و سرگذشت تحقیق بخشی این امر طولانی و خارج از مقاله است. ۳۵ اما آنچه امروزه انسان در مقام پیام‌رسانی به دیگران دست یافته به گونه گفتاری، نوشتاری و اشاری است.

حکمت پیام‌رسانی می‌طلبد تا گوینده سخنش را به شنونده به شکلی از واژه‌ها و گزاره‌ها نظم بخشد تا قابل درک و فهم برای مخاطب باشد اینک چنین حکمتی به طور دقیق درباره سخن خداوند متعال از راه وحی به بشر وجود دارد به تعبیر دیگر حکمت تفهیم و تفاهم میان گوینده و شنونده چنین می‌طلبد که خداوند پیامش را که از راه وحی فرستاده با همان زبانی که در میان مردم رواج دارد و برای همگان درک و فهمش آسان و ممکن است ابلاغ

فرماید

یعنی سخن با مردم به زبان خودشان و اینجاست که خداوند متعال در قرآن کریم فرمودند: **و ما ارسلنا من پیامبری نفرستادیم مگر به زبان قومش تا حقایق را برای آنها آشکار سازد.**

اینک عطف توجه و عنایت به این نکته می‌تواند رهگشای فهم تفسیر آن بخش از آیات بیانگر واقعیتها، شرایط، مسائل و موضوعات مردم جامعه‌ای باشد که قرآن در آن هنگام به منظور هدایتگری و تغییر و تحول بنیادی در آداب، رسوم، عادات و اعتقادات آنان برای رهیافت به جامعه‌ای برتر و سعادت‌مندی در آخرت فرو فرستاده است، از این رو خداوند متعال پیام وحیانی قرآن را با زبان همان مردم بیان می‌کند.

با نوشتها:

- ۱- نگاه کنید به: مجله اندیشه حوزه، ش ۲۴، مهر-آبان ۷۹، مجله بینات، ش ۵۶، بهار ۷۴، مجله کیان، ش ۲۳.
- ۲- خرمشاهی، بهاء‌الدین، مقاله بازتاب فرهنگ زمانه در قرآن، ص ۹۱، بینات ش ۵.
- ۳- همان.
- ۴- همان.
- ۵- تکویر ۹.
- ۶- بقره/ ۲۷۵-۲۷۹.
- ۷- نور/ ۳۳.
- ۸- بقره/ ۱۹۷-۲۰۰.
- ۹- بقره/ ۲۲۶.
- ۱۰- مجادله/ ۲ و ۳.
- ۱۱- نور/ ۹-۶.
- ۱۲- بینات، ش ۵، ص ۹۱.
- ۱۳- نظیر آیات آغازین سوره شمس و نظیر آیه ۴ از سوره منافقون.
- ۱۴- نگاه کنید به: جفری، ارتور، واژه‌های دخیل در قرآن، ترجمه فریدون بدره‌ای.
- ۱۵- بینات، ش ۵، ص ۹۱.
- ۱۶- نجم/ ۳-۴.
- ۱۷- نساء/ ۸۲.
- ۱۸- فصلت/ ۴۲.
- ۱۹- نگاه کنید به: المیزان، ج ۱، ص ۶۴ و ۵، ص ۱۶-۱۷، نمونه، ج ۲۰،

ص ۲۹۸-۳۰۰.

- ۲۰- المیزان، ج ۵، ص ۱۶، با تلخیص و تصرف اندک.
- ۲۱- تکویر ۸-۹.
- ۲۲- نحل/ ۲۰ و ...
- ۲۳- بقره/ ۱۵۸.
- ۲۴- بقره/ ۲۰.
- ۲۵- نحل/ ۵۹ و ۵۸.
- ۲۶- نگاه کنید به: سوره جن و آیات دیگر که در این باره آمده است.
- ۲۷- یوسف/ ۶۷، قلم/ ۵۷.
- ۲۸- نگاه کنید به: سوره حج و آیات دیگر که در این باره آمده است.
- ۲۹- بقره/ ۱۷۸، نساء/ ۹۲ و جز آن.
- ۳۰- نگاه کنید به: نجفی، محمد حسن جواهر الکلام، جلد ۳۳، ص ۹۶، ۹۸ و ۲۹۷ و جلد ۳۴ ص ۲-۶ و نیز: مغنیه، محمد جواد فقه الامام جعفر الصادق (ع)، ج ۵-۶، ص ۵۸، ۶۳.
- ۳۱- نگاه کنید به: بار بور، ایان، علم و دین، ص ۳ و ۲۱۳ ترجمه خرمشاهی، بهاء‌الدین.
- ۳۲- بینات، ش ۵، ص ۹۵.
- ۳۳- رضایی اصفهانی، محمد علی، روشها و گرایشهای تفسیری، ص ۲۲۳.
- ۳۴- همان، ص ۲۸۱.
- ۳۵- نگاه کنید به: لغت‌نامه دهخدا، مقاله پیدایش زبان، علی اکبر سیاسی.
- ۳۶- ابراهیم/ ۲.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی